



اهرم تحریم سال‌هاست به عنوان استراتژی اصلی آمریکا برای فشار به کشورهای مخالف به کار می‌رود؛ فشاری که بیشتر از دولت‌های مورد تحریم، فشار مختلف جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد. در چنین موقعیتی، برخی دولت‌ها باالاجبار سیاست‌هایی را می‌پذیرند که در حالت عادی سرسختانه با آنها مقابله می‌کردند. شاید بتوان به عنوان بهترین نمونه، به الگوی رفتاری آمریکایی‌ها با «معمَر قذافی» دیکتاتور سابق لیبی اشاره کرد. سیاستمدار جنجالی‌ای که روزی عنوان «شاه انقلابی اعراب» و پدک می‌کشید اما در مواجهه با فشارها و تحریم‌های گسترده اقتصادی و نظامی، طی توافقی تمام شرایط آمریکا را پذیرفت.

در مقابل آمریکا هم، وعده گسترش روابط اقتصادی را مطرح کرد. طولی نکشید هزاران مستشار اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به لیبی سرازیر شدند که البته به‌اذعان پایگاه خبری اسرائیلی «یکتا»، صدها تن از آنان افسران اطلاعاتی غربی بودند که این حضور و نفوذ مأموران امنیتی در بنده اجتماع و دولت، در نهایت به اشغال لیبی توسط نیروهای ناتو منجر شد. آمریکا این نمونه را الگوی موفق‌ی برای ترندف فشار معرفی کرد، به طوری که «کاندولیزا رایس» وزیر وقت خارجه آمریکا، ۲۵ اردیبهشت ۸۵ در یک کنفرانس خبری که در «نیویورک تایمز» منتشر شد، تجربه لیبی را الگویی مناسب برای ایران دانست و به همین منظور آمریکا برای اجرای نقشه خود در ایران، با فشار بر سازمان ملل و اتحادیه اروپایی، تحریم‌های ضدایرانی را افزایش داد. تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای که طی چند سال اخیر بر ایران تحمیل شد، دولت را بر آن داشت با انعقاد «توافق وین» در روز سه‌شنبه ۲۳ تیر ۹۴، از بار فشار این تحریم‌ها کم کند و با اعلام استقبال از هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی به جهت بهبود شرایط اقتصادی ایران، روابط با سایر کشورها را گسترش دهد که این

مرور تاریخ نشان می‌دهد در دوره‌های مختلف

روی کار آمدن غربگرایان شاهد حملات نفوذی گسترده امنیتی با هدف ایجاد تغییرات نرم در حوزه فرهنگ و اقتصاد و سیاست ملی بوده‌ایم که دل ایران‌دوستان را به درد آورده است. در شرایطی

که سایه قدرت ژئوپلیتیک ایرانیان به مرزهای رژیم غاصب صهیونیستی رسیده‌باز هم دهه‌ای از سیاسیون خودفروخته داخلی القبای قدرت و ماندگاری را از جاسوسان «سیا» و «MI6» در سفرها و دید و بازدیدهای پنهان و آشکار گدایی می‌کنند، موضوعی که حقیقتاً مسأله ساده‌ای نیست.

■ **عاقبت دویبنگ امنیتی**

یک روز در زمان دولت اصلاحات، رئیس سازمان جست‌وجوی زمینه‌های مشتیزک، «ویلیام میلر» صهیونیست و عضو شورای امنیت ملی آمریکا را پنهانی به عنوان فعال محیط‌زیست و استاد دانشگاه هاروارد در دانشگاه‌های مطرح ایران دوره چرخاندند و دگرروز «آلن گودمن»، یکی از امنیتی‌ترین چهره‌های دستگاه اطلاعاتی دشمن را به عنوان «سفیر تبادل علمی» به ایران دعوت کردند. از منظر امنیتی همه این موارد علاوه بر اینکه می‌تواند نشانه‌ای از موقعیت‌شناسی و ضعف تحلیل شدید برخی مدیران ارشد امنیت‌ساز کشور باشد، عاملی مهم در تحلیل «ضعف قدرت درونی» جناح سیاسی غربگرا نیز هست. گروهی که در عین اعلام پیروزی در انتخابات مجلس و شاخه و شاه‌کتشی برای صدر تا ذیل نظام، جایگاهی برای خود در آینده ایران به علت ضعف‌های آشکار حاصل از بی‌برنامگی در حوزه سیاست و اقتصاد نمی‌بیند. به همین جهت است که چشم طمع به کمک خارجی دوخته و ترجیح می‌دهند ریسک افتضاحات امنیتی حاصل از مرادبه با عوامل نشان‌دار دشمن را به جان خریدند و با در پیش گرفتن سیاست جهان سومی «دویبنگ خارجی»، «شیکه‌سازی» میان نخبگان و آحاد جامعه را به آمریکا و انگلیس واگذار کنند. مسأله اصلی اینجاست که «دویبنگ» در یک رقابت سالم در همه دنیا و مطابق با قوانین بین‌المللی «ممنوع» است!

و تمدن ایالات متحده، به مهاجران برگزیده اعطا می‌شود. علاوه بر این اقدامات، براساس ایمیل‌های منتشرشده در سایت «ویکی‌لیکس»، وی عضو یک شرکت خصوصی اطلاعاتی به نام «استراتفور» است. استراتفور یک وبسایت اطلاعاتی برای ارائه پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل سیاسی، اقتصادی، امنیتی و سیاست عمومی در سراسر جهان است. علت اصلی افشای ایمیل‌ها و اعضای سری استراتفور توسط ویکی‌لیکس، ارتباطات وسیع اطلاعاتی این شرکت با مأموران امنیتی آمریکا (CIA) و اسرئیل بود. شرکتی که در طول فعالیت خود به سرقت اطلاعات از حریم خصوصی افراد نیز متهم است. استراتفور ۲ دهه قبل، در سال ۱۹۹۶(۷۵) توسط «جورج فریدمن» یکی از متفکران یهودی آمریکایی تأسیس شد. به گفته سایت «ال‌خبر»، پیش از آن فریدمن یکی از افسران امنیتی ارتش آمریکا بود که در نهادهایی همچون اندیشکده «رند» در حوزه‌های دفاعی و سیاست خارجی فعالیت می‌کرد. علاوه بر فریدمن، افسران امنیتی دیگری نیز در این شرکت فعال هستند. یکی از این افراد مؤثر، «فرد برتون» معاون اطلاعاتی مدیر استراتاتور است. وی پیش از این، مأمور ویژه سرویس امنیتی دیپلماتیک آمریکا بود و به عنوان مأمور واشنگتن در بررسی ترور «اسحاق رابین» نخست‌وزیر معدوم اسرئیل و ترور خاخام «هابر کاهانه» منصوب شده بود. به ادعای ال‌خبر، وی همچنین از اعضای مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی موساد اسرئیل است.

■ **نفوذ به بهانه احیای اقتصاد ایران**

در مهرماه ۹۲، «حب» پس از دیدار با یک مقام ایرانی از ۱۶ آبان ۹۲ به همراه ۷۸ تن از سیاستمداران آمریکا از جمله «ژوزف نای» ایشگاه نظریه «قدرت نرم» در نامه‌ای که در رسانه‌ها منتشر شد، در حمایت از روش دیپلماتیک رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در قبال ایران، تغییر رویکرد ایران در مذاکرات را نتیجه سیاست‌های ایوپا(تحریم و تهدید به استفاده از گزینه نظامی) معرفی کرد. وی یک‌ساعت بعد اعلام داشت: «شواهد کافی دیدم که نشان می‌دهد روحانی قادر است ایران را به پتانسیل عظیمش نزدیک کند» و پس از این اظهارات، با سفر به ایران در کنفرانس‌ها و دیدارهای خصوصی با سرمایه‌گذاران و افراد مرتبط با محافل قدرت در ایران ملاقات داشته و با گسترش نفوذش در تهران، حتی دعوتنامه‌هایی برای سخنرانی در بانک مرکزی دریافت کرد. وی در این دیدارها ایده‌های اقتصادی خود را که از اقتصاد لیبرال آمریکا وام گرفته، به مدیران ارشد اقتصادی ایران انتقال داد. تکررات لیبرالیستی‌ای که در مقاله‌های مشترک با «سیروس امیرمکری» فعال ضدایرانی در زمینه حقوق بشر، در نشریه آمریکایی «مهور خارجی» خود

چراغ سبز نشان دادن مسؤولان دولتی سبب شد

بازرگان خارجی و همچنین تجار ایرانی تبار برای ورود به بازار ایران برنامه‌ریزی‌های وسیعی را انجام دهند.

■ **مرد ایران یا افتخار آمریکا**

پایگاه خبری «پلومبرگ» با اشاره به این موضوع در گزارشی با عنوان «مرد ایران در نیویورک در حال شکار برای میلیاردها دلار است» مدعی شد یک آمریکایی- ایرانی به نام «حب» در حال لابی برای جذب میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در بازار ایران است. «حب» مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه کورنل آمریکا اخذ کرد و به ادعای «وال استریت ژورنال» قصد بازگشت به ایران را داشت اما پس از تحقق انقلاب اسلامی با تغییر برنامه خود، در آمریکا اقامت دائم گرفت و طی این چند سال، حتی برای یک دیدار هم به کشورش بازنگشت. وی فعالیت‌های اقتصادی بسیاری در آمریکا انجام داده و بانکدار سابق «سیتی گروپ» که به «ولید بن طلال» سعودی تعلق دارد و از شرکای سابق شرکت مشاوره‌ای «مکنزی» و مدیر فعلی سرمایه‌گذاری «تی‌جی‌جی گروپ» است، وی همچنین از اعضای اندیشکده «شورای روابط خارجی» است؛ اندیشکده‌ای که تقریباً اکثر اعضای آن زمانی در وزارت خارجه آمریکا مشغول به کار بودند. او از جمله اعضای هیات امنای اندیشکده آمریکایی «انجمن آسیا» نیز به‌شمار می‌رود که تمرکز اصلی این موسسه بر حقوق بشر و موقعیت زنان در کشورهای آسیایی است. خدمات گسترده «حب» در طول اقامتش در آمریکا سبب شد به عنوان یک بانکدار و متفکر استراتژیک، مستحق دریافت جایزه «مدال افتخار آلپس آلیند» در سال ۲۰۰۹(۸۸) و «افتخار آمریکا» توسط بنیاد کارنگی در سال ۲۰۱۲(۹۱) شود. این مدال‌های افتخار آمریکایی است که به پاس قدرانی از خدمات مهاجران در بسط فرهنگ

چراغ سبز نشان دادن مسؤولان دولتی سبب شد

بازرگان خارجی و همچنین تجار ایرانی تبار برای ورود به بازار ایران برنامه‌ریزی‌های وسیعی را انجام دهند.

■ **مرد ایران یا افتخار آمریکا**

پایگاه خبری «پلومبرگ» با اشاره به این موضوع در گزارشی با عنوان «مرد ایران در نیویورک در حال شکار برای میلیاردها دلار است» مدعی شد یک آمریکایی- ایرانی به نام «حب» در حال لابی برای جذب میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در بازار ایران است. «حب» مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه کورنل آمریکا اخذ کرد و به ادعای «وال استریت ژورنال» قصد بازگشت به ایران را داشت اما پس از تحقق انقلاب اسلامی با تغییر برنامه خود، در آمریکا اقامت دائم گرفت و طی این چند سال، حتی برای یک دیدار هم به کشورش بازنگشت. وی فعالیت‌های اقتصادی بسیاری در آمریکا انجام داده و بانکدار سابق «سیتی گروپ» که به «ولید بن طلال» سعودی تعلق دارد و از شرکای سابق شرکت مشاوره‌ای «مکنزی» و مدیر فعلی سرمایه‌گذاری «تی‌جی‌جی گروپ» است، وی همچنین از اعضای اندیشکده «شورای روابط خارجی» است؛ اکثر اعضای هیات امنای اندیشکده آمریکایی «انجمن آسیا» نیز به‌شمار می‌رود که تمرکز اصلی این موسسه بر حقوق بشر و موقعیت زنان در کشورهای آسیایی است. خدمات گسترده «حب» در طول اقامتش در آمریکا سبب شد به عنوان یک بانکدار و متفکر استراتژیک، مستحق دریافت جایزه «مدال افتخار آلپس آلیند» در سال ۲۰۰۹(۸۸) و «افتخار آمریکا» توسط بنیاد کارنگی در سال ۲۰۱۲(۹۱) شود. این مدال‌های افتخار آمریکایی است که به پاس قدرانی از خدمات مهاجران در بسط فرهنگ

عوامل آمریکا در حال پیاده‌سازی کدام الگو در ایران هستند؟

# مبادلات تجاری و کانال‌های «نفوذ»

■ **زهره نفی پورفر**

را آشکار کرد. وی در این مقاله، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به کشورهای غربی را مانع سرمایه‌گذاری در ایران معرفی و تأکید کرد: «اگر مقامات مردم ایران خواهان ورود به اقتصاد جهانی‌اند، باید بپذیرند جهان تغییر کرده و روایت‌های قدیمی مانند استمرار خارجی نباید مانع آینده اقتصادی ایران شود». به اذعان پایگاه خبری بلومبرگ، «حب» برای نفوذ و القای این تفکر در مراکز تصمیم‌ساز ایران، فعالیت خود را معطوف به جذب و آموزش نخبگان جوان عرصه صنعت و تکنولوژی، مدیران ایرانی و ایرانیان خارج‌نشین کرده است. وی عضویت مدیره «انجمن روابط عمومی ایرانیان آمریکا» (PAATIA) است. پایا به جهت جذب ایرانیان آمریکایی دارای دستاوردهای متمایز ایجاد شده است و نخبگان منتخب را با فرستادن دعوتنامه به عضویت این انجمن درمی‌آورد. وی همچنین در مصاحبه با سایت «آی‌تی ایران» از همکاری خود با «مؤسسه آموزش عالی ایرانیان» (Iranian Business School) یا به اختصار IBS با هدف آموزش مدیران ایرانی پرده برداشت و گفت: «کاری که ما در پروژه IBS انجام می‌دهیم این است که دانش مدیریتی در کشورهای توسعه‌یافته را به ایران بیاوریم». مؤسسه آموزش عالی ایرانیان، پروژه‌ای انگلیسی است که سال ۲۰۰۷ (۸۶) به منظور جذب و تربیت مدیران آینده ایران در لندن تأسیس شده و از سال ۸۹ با برگزاری اولین دوره رهبری استراتژیک برای مدیران ارشد ایرانی در تهران فعالیت خود را آغاز کرد. IBS در ایران توسط هیات مدیره‌ای به ریاست «روزبه پیروز» مدیریت می‌شود. روزبه پیروز، مؤسس و مدیر پروژه مدنیت (استراتژی سران غربی برای ایجاد اصلاحات در کشورهای غرب آسیا) در اندیشکده «مرکز سیاست خارجی انگلیس» و عضو شبکه برانزاف رهبران جوان جهان YGL است. از طرف دیگر، پروژه IBS همان‌طور که در سایت اصلی خود عنوان کرده، از حمایت چهره‌ها و شرکت‌های سرشناس بخش خصوصی در داخل ایران از جمله شرکت حقوقی آتیه (شرکت تابعه گروه آتیه) برخوردار است. گروه آتیه، سال ۷۲ توسط «سیامک نمازی» از دلان معروف کرست، عضو مؤسسه «نایاب» (شورای ملی آمریکاییان ایرانی تبار) و از اعضای شبکه YGL تأسیس شد. از جمله اقدامات دیگر «حب» برای جذب نخبگان ایرانی، ایران، تأسیس کنفرانس «آی‌بریج» iBridge بود. وی به همراه «کلران الهیان»، بهایی مقیم آمریکا با کمک بسیاری از اقتصاددانان ایرانی تبار در آمریکا و اروپا از جمله «بری نمازی» (از وابستگان سیامک نمازی، جاسوس آمریکایی دستگیرشده در ایران) این کنفرانس را تأسیس کرد. این کنفرانس با تلاش

«حب»، خرداد ۹۴ در برلین آلمان برگزار شد تا به ادعای وی، ارتباط میان مدیران شرکت‌های فناوری ایران با همتایان آنها و سرمایه‌گذاران بالقوه در خارج از ایران برقرار شود. کنفرانس آی‌بریج مستقر در «کالیفرنیا»، از حمایت و مشاوره برخی بازرگانان ایرانی وابسته به YGL برخوردار است که اسامی آنان در سایت iBridge قرار دارد. به عنوان نمونه می‌توان به این افراد اشاره کرد: «علی زواشکیانی» مؤسس و رئیس انجمن مدیران بین‌المللی ایران و از اعضای شبکه رهبران جوان جهان و همچنین روزبه پیروز، با این حال الهیان در گفت‌وگو با روزنامه «گاردین» ادعا کرد فعالیت آنان کاملاً اقتصادی است و به سیاست یا مذهب ارتباطی ندارد. کنفرانس‌های بعدی آی‌بریج با افشگری‌های متعدد روزنامه‌نگاران ایرانی درباره فعالیت‌های شبکه صهیونیستی رهبران جوان جهان یا YGL تحت پوشش آی‌بریج، به تعطیلی کشیده شد. این فعالیت‌ها تنها به حوزه اقتصادی محصور نشده و ردپای آنان در مسائل سیاسی نیز دیده می‌شود. روزنامه «هافینگتون پست» تیرماه ۸۸ بیانیه‌ای با امضای چند تن از آمریکاییان ایرانی‌تبار در حمایت از فتنه ۸۸ منتشر کرد که اسامی فوق نیز در بین این اسامی دیده می‌شود. آنها در این بیانیه اعلام داشتند: «با علاقه بسیار تحولات اخیر را دنبال کرده‌ایم و از اینکه مردم ایران بار دیگر نشان دادند چگونه با جدیت حقوق خود را دنبال می‌کنند، بسیار هیجان‌زده شدیم». پس از انتخابات سال ۹۲ «حب» در مصاحبه با خبرگزاری «رویترز»، این انتخابات را نشان تغییر رویکرد ایران برای از بین بردن تحریم‌ها و بهبود روابط با کشورهای جهان دانست و تأکید کرد: «اگر ما این فرصت را از دست بدهیم، همیشه پشیمان خواهیم بود». به این ترتیب، پذیرش این ادعای مضحک که وی به جهت حس میهن‌دوستی(!) پس از ۳۵ سال بازگشته تا اقتصاد ایران را نجات دهد، بسیار مشکل است. به نظر می‌رسد حضور این فرد در دوران بعد از برجام در ایران، ادامه همان پروژه نفوذی است که حضرت ایت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب بارها به مسؤولان نظام هشدار داده و می‌دهند. برخلاف نظر افرادی که معتقدند هشدار درباره نفوذ پنهانی برای ایجاد حققان(!) در جامعه است، باز کردن درهای تجاری ایران و در آغوش کشیدن هر مدعی سرمایه‌گذاری تنها باعث حضور و نفوذ افرادی خواهد شد که در دنبال پیگیری اهداف دشمنان در ایران هستند. هشدار در این مقوله به مسؤولان نظام کمک می‌کند از میان درخواست‌هایی که برای سرمایه‌گذاری در ایران مطرح است، بهترین گزینه‌ها را انتخاب کنند تا از نقشه آمریکا برای پیاده‌سازی الگوی لیبی در ایران جلوگیری شود.

با نخبگان ایرانی ارتباط از مسیر ۲ برقرار می‌کردند، توفیقی، وزیر وقت علوم و امثال او توجیه می‌کردند که این روند در مسیر «پیشرفت علمی ایران» است! وقت گذشتن برای توجیه فردی که برنامه «پورسیه خارجی» مدنظر آمریکایی‌ها را ۲ ماه پس از سفر هیأت آمریکایی قانونی کرد و منجر به در معرض قرار گرفتن نسلی از دانش‌جویان نخبه‌ایران در پروسه «شیکه‌انشار دانش» برنامه فولبرایت وزارت خارجه آمریکا شد، وقت و انرژی بسیاری از جامعه ایرانی گرفت و سرانجام نیز دشمن به خواسته خود رسید. در چنین فضای اراهه مکرر هشدار «نفوذ» به بخشی از دولتمردان شوراییانقلاب فرهنگی، پاسخگوی کم کاری و تساهل و تسامح خود با «کمیته داس» به عنوان وزرای در سایه علوم و آموزش‌وپرورش مقابل سولات تاریخی خواهند بود؟

■ **مطالبه محاکمه نفوذی‌ها**

ج- از مهم‌ترین نتایج دیپلماسی عمومی بلندمدت با جامعه حریف، ایجاد تغییرات ماندگار فکری در طبقه نخبگان و مؤثرین دولتی است. در شرایطی که مدیران دولتهای غربگرا پیش‌تر مدعی تاثیرگذاری بر عناصر عالی‌رتبه امنیتی آمریکایی مسافر ایران و به اصطلاح اجرای عملیات «ضدجاسوسی» بر دستگاه دیپلماسی علمی- شهروندی دشمن بودند، گودمن نتیجه دیدار با مدیران دولتی ایران و مسؤولان کشورمان را اینگونه بیان می‌کند: «مدیران ایرانی بسیار دیدمثنی نسبت به آمریکا دارند و اغلب فرزندان خود را برای ادامه تحصیل راهی کشور ما کرده‌اند. این نشان می‌دهد دیپلماسی بر جامعه ایرانی باید ادامه پیدا کند». هم‌اکنون در گروه‌هایی از جامعه خودی شاهد بروز «ضعیت انفعال» نسبت به پروژه نفوذ هستیم. این رنگ فطری است که حکایت از بی‌تجری رسانه‌ای شدن مکرر اقدامات خلاف قانون مدیران نفوذی دارد. به طور مثال در شرایطی که اعضای نشان‌دار شورای امنیت ملی آمریکا به میزبانی دفتر نهاد ریاست‌جمهوری و «کارت اعتباری» وزیر اطلاعات دولت اصلاحات، شهر به شهر و دانشگاه به دانشگاه در ایران می‌گشتند و از مردم عمل کنیدا

### داسان‌هایی که دیکتاتورهای بزرگ نوشتند

در ماه دسامبر یک عنوان جدید به رمان‌های نوشته‌شده توسط دیکتاتورها اضافه خواهد شد. کتاب «صدام» که ناشران آن را ترکیبی از «بازی تاج و تخت» و «خانه پوشالی» می‌نامند پیش از کریسمس وارد بازار می‌شود تا در بازار داغ فروش کتاب پیش از آغاز تعطیلات رقابت کند. انتشارات هسپروس این هفته اعلام کرد که هنوز معادلی برای ترجمه انگلیسی این رمان که در سال ۲۰۰۲ یا ۲۰۰۳ نوشته شده است، انتخاب نکرده ولی عنوان عربی کتاب «هریمنان، دور شوید!» است. رمان از آنجایی به «بازی تاج و تخت» شباهت می‌یابد که جنگوری را در پیش‌زمینه تاریخی قرار می‌دهد. این کتاب داستان قبیله‌ای را روایت می‌کند که سال‌ها پیش در ساحل رود فرات مستقر بودند و همواره مورد هجوم فرار می‌گرفتند؛ اما بخش سیاسی داستان به آنجایی مربوط می‌شود که یک تحمیزاده عرب بر دشمنان فائق می‌آید؛ دشمنانی که به وضوح نمادی از اسرئیل و آمریکا هستند. (۲ برج نیز وجود دارند که به نظر می‌رسد نمادی از برج‌های مرکز تجارت جهانی باشند)

صدام ۴ رمان نوشته است. مشهورترین آن داستان زبیه و شاه است، قهرمان زن داستان (عراق) از چنگ همسر ششید و فاسدشد (آمریکا) فرار می‌کند و عاشق پادشاه خشن ولی در عین حال پرعاطفه (نویسنده) می‌شود. در میان دیکتاتورهای مؤلف، صدام نویسنده‌ای پرکار به حساب می‌آید ولی بی‌رقیب نیست. کلنل قذافی نیز داستان‌های کوتاهی منتشر کرده که در انگلیسی با نام «فرار به جهنم» گردآوری شد.

علاقه صدام به استفاده از تمثیل‌های ملی‌گرایانه در همتایشان از کره‌شمالی نیز به چشم می‌خورد. رهبران اسبق کره‌شمالی «کیم ایل‌سونگ» (۱۹۹۴-۱۹۴۸) و «کیم جونگ‌ایل» (۲۰۱۱-۱۹۹۴) هر دو صولفا دلستان‌های کودکان بودند و در این قصه‌ها به صورت نمادین از یک ملت کمونیست منزوی سخن می‌گفتند که بر دشمنانش پیروز می‌شد؛ در داستان‌های کیم جونگ‌ایل کودکان موفق می‌شدند روستای‌شان را از جنگ دیوها نجات دهند. کیم ایل‌سونگ نیز قصه پرشماره‌ای را روایت می‌کرد که اجازه نمی‌داد یک بچه خروس (آمریکا) باقی حیوانات را آزار دهد. به نظر می‌رسد که با مرگ «صدام»، «معمَر قذافی» و «کیم جونگ‌ایل» دوران دیکتاتورهای مؤلف به سر آمده باشد اما یک رهبر خودکامه دیگر هست مرادنیازف، رئیس‌جمهور پیشین ترکمنستان تدریس کتاب روحنامه - ترکیبی از خاطرات شخصی، تاریخ و نصایح معنوی - را در مدارس اجباری کرد. جان‌نشین او «فران‌قلی بردی محمداف» است که شخصیت عجیب و مکتب فکری خاص خود را دارد (در غرب او را به دلیل دعوت از جنیفر لویز برای شرکت در مراسم جشن تولدش یا افتادن از روی اسب حین اجرای مراسم می‌شناسند). او یک نویسنده بیش‌فعال است. محمداف در سال ۲۰۱۳ زندگینامه خود را با عنوان «برندگان خوشبختی» به نگارش درآورد و در آن از پدرش یاد کرد و «درس‌های زندگی با فقه‌العدامه» که کودکانی از او آموخت. آنچه حاکمان نویسنده در چند دهه اخیر را از پیشینیان متمایز می‌کند این است که آنها در زمانی که در رأس امور قرار داشتند، کتاب‌ها را تألیف کرده‌اند. (درباره صدام، کتاب زمانی نگاشته شد که حمله آمریکا در شرق وقوع بود). اما پیشینیان آنها در ابتدای جوانی به حیطه تألیف قدم نهند. «پلپتون» از ۲۶ سالگی رمان «کلیسون و اوژنی» را نوشت؛ تراژدی عاشقانه‌ای از عشق نافرجام یک سرباز جوان (که در سال ۲۰۰۹ به زبان انگلیسی ترجمه شد).

رمان «موسولینی»، «موشوقه کاردینال» داستان آن در قرن ۱۷ به وقوع می‌پیوست به صورت باورفری در یک روزنامه سوسیالیستی در سال ۱۹۰۹ به چاپ می‌رسید و ۲۰ سال بعد زمانی که «ایل دوچه» قدرت را در دست داشت به صورت رمان منتشر شد.

منبع: تاریخ ایرانی جان داگدیل / ترجمه: شیدا قماشچی

در شبکه‌های اجتماعی



@vatannews

در شبکه‌های اجتماعی